



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

جلوہ های تربیتی قیام عاشورا



محمد منصور نژاد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جلوه‌های تربیتی قیام عاشورا

نویسنده:

محمد منصورنژاد

ناشر چاپی:

جوان پویا

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	جلوه‌های تربیتی قیام عاشورا
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۷	جمع بندی و نتیجه گیری
۸	ابعاد تربیت در قیام عاشورا
۸	اشاره
۸	تربیت اخلاقی
۱۰	تربیت سیاسی در نهضت کربلا
۱۳	روش‌های تربیتی در قیام عاشورا
۱۳	اشاره
۱۳	روش موعظه و نصیحت
۱۴	روش ملاحظت و ملایمت
۱۵	روش روشن گری و اعطای بینش
۱۵	اشاره
۱۶	روش تربیتی مبتنی بر آزادگی محوری
۱۶	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

جلوه‌های تربیتی قیام عاشورا

مشخصات کتاب

سرشناسه : منصورنژاد، محمد، ۱۳۴۰ -

عنوان و نام پدیدآور : جلوه‌های تربیتی قیام عاشورا / محمد منصورنژاد.

مشخصات نشر : تهران : جوان پویا ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری : ۴۸ ص.

فروست : سلسله انتشارات جوان پویا؛ ۱۳. دغدغه‌های جوان پویا؛ ۶.

شابک : دوره ۶-۹-۹۶۲۹۸-۹۶۴-۹۷۸ ؛ ۶۰۰۰ ریال چاپ اول ۲-۳-۰۳-۲۵۳۸-۹۶۴ ؛ ۸۰۰۰ ریال چاپ دوم : ۹۷۸-۹۶۴-۲۵۳۸-۹۶۴-۹۷۸

۴-۰۳ ؛ ۷۰۰۰ ریال (چاپ سوم) ؛ ۱۵۰۰۰ ریال (چاپ پنجم)

وضعیت فهرست نویسی : فایا (چاپ پنجم)

یادداشت : ص.ع. به انگلیسی Mohammad Mansoornejhad. Educational manifestations of ashoora movement.

یادداشت : چاپ اول: ۱۳۸۵.

یادداشت : چاپ دوم: ۱۳۸۶.

یادداشت : چاپ پنجم .

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس

موضوع : عاشورا -- نتایج و تاثیرات

موضوع : واقعه کربلا، ۶۱ق -- تاثیر

موضوع : اسلام و آموزش و پرورش

موضوع : تربیت اخلاقی

رده بندی کنگره : BP۴۱/۷۶/م ۷۲ ج ۸ ۱۳۸۵

رده بندی دیویی : [ج] ۲۹۷/۹۵۳۴

شماره کتابشناسی ملی : م ۸۵-۳۸۷۵

مقدمه

۱- تعریف تربیت تربیت کلمه‌ای عربی و معادل «Education» انگلیسی است که در فارسی به «آموزش و پرورش» ترجمه می‌شود. واژه تربیت از «رَبَوَ»، اخذ شده است در «المنجد»، ربو، گاه به معنای غذا دادن (ربه الوالد: ای غذا و جعله یربوا) و گاه به معنای تهذیب و پاک ساختن اخلاق فرد از آلودگی‌ها (ربه الوالد ای هذّبه و هذّب الرجل ای طهر اخلاقه مما یعیبها) به کار رفته است و «راغب اصفهانی در «مفردات» ذیل کلمه «رب تربیت را حرکت تدریجی چیزی به سوی کمال تعریف نموده است (انشاء الشی حالاً فی لد الی حد التمام . مرحوم «دهخدا» در «لغتنامه تربیت را به معانی زیر آورده است پروردن پروراندن پروردن کودک تا بالغ شود، پروردن و آموختن ۲- از تربیت در اصطلاح تعریف واحدی وجود ندارد. از شاخصه‌ها و ویژگی‌های امر تربیتی آن است که گرچه «تعلیم شرط لازم آن است کافی نیست و از این رو آموخته‌ها را محقق کردن بار آوردن شکوفا نمودن و به ثمر نشاندن از

ممیزات امور تربیتی است بالتبع حصول به چنین غایتی مسئله روش تربیت موضوعیت می‌یابد. «مربی اهمیت ویژه می‌یابد، در حدی که کسی ممکن است معلم خوب و موفق باشد، اما مربی شایسته‌ای نباشد. از ویژگی‌های تربیت آن است که هر سه حوزه «جسم»، «عقل و «قلب (دل آدمی را شامل می‌شود. مفروض در تربیت آن است که چون نشو و نما دادن چیزی مطرح است پس متعلق تربیت باید دارای استعداد درونی بالقوه برای بالفعل شدن باشد. ۳- از نهضت حسینی و قیام عاشورا در بعد تربیتی سخن اندکی رفته است و حال آن که از قیام عاشورا هم در «ابعاد مختلف تربیت، فردی و جمعی (سیاسی اجتماعی اقتصادی فرهنگی ...) بهره‌های فراوان می‌توان برد و هم از «روش‌های تربیتی در موارد بسیاری می‌توان استفاده نمود و هم .. طرح همه مباحث تربیتی مربوط به امام حسین (ع) در حد یک مقاله نمی‌گنجد؛ مثلاً- از خاستگاه‌های تربیتی امام حسین (ع) و از تأثیرهای خانوادگی می‌توان سخن گفت از خصایص تربیتی و روحی امام حسین (ع)، ظلم‌ستیزی بود. او فرزند پدری است که حتی در حال احتضار و پس از ضربت خوردن از ابن ملجم و در وصیتش به فرزندانش (امام حسن و امام حسین می‌آموزد. «کونا للظالم خصماً و للمظلوم عوناً؛ دشمن ظالم و یاور مظلومان باشید. یا در کودکی حرکت پیچیده تربیتی امام حسین (ع) همراه با برادرش را در اصلاح نقص وظیفه دینی پیرمردی را دیدیم که وقتی وضوی با اشکالش را دیدند، از پیرمرد خواستند که به داوری درباره وضوی آن دو بنشیند تا ببیند کدام یک زیباتر وضو می‌گیرند (قالا- اینا یحسن) و پیرمرد متوجه شد که این کاربرای رفع نقیصه او بود و... حدود و نقطه تمرکز این مقال بر نکته‌های تربیتی است که در نهضت حسینی از مدینه آغاز و در کربلا با قیام عاشورا به خاتمه رسیده و سپس پیام‌های سازنده و جلوه‌های مؤثر آن توسط ادامه دهندگان نهضت به گوش اعصار برای همیشه رسیده است (۴) نهایتاً، نوشتار مختصر حاضر در گزینش نکات تربیتی از نهضت حسینی و قیام عاشورا نظر به مسائل عصر، شبهات مبتلابه و پرسش‌های نسل جدید در فضای امروز ایران دارد. از این رو، اگر امروزه مطرح می‌گردد که از دین پیام‌های سیاسی نباید جست و انتظار داشت و «سکولاریسم مدافعان جدی دارد، در این مقاله از تربیت سیاسی در نهضت کربلا، زیاد سخن خواهد رفت یا اگر مسئله زن و حضور سیاسی‌اش در جامعه و حقوق بانوان از نگاه دینی با مطرح شدن پرسش‌های «فمینیست‌ها» پرسش جدی روزماست از این رو از تربیت بانوان و زنان در نهضت عاشورا سخن به میان می‌آید.

جمع بندی و نتیجه گیری

از مجموعه مباحث فوق به این نتیجه می‌رسیم که (۱) از قیام عاشورا در بعد تربیت در حد شایسته سخن به میان نیامده و حال آن که این حرکت نکته‌های تربیتی قابل توجه و ماندگاری را در خود مستتر دارد. در مقاله حاضر، به بعضی از نکته‌های تربیتی قریب به یک سال آخر زندگی حضرت توجه شده و در انتخاب گزینه‌ها نیز به شبهه‌های عصر، پرسش‌های روز و نیاز زمان توجه جدی قرار شده است (۲) در یک نگاه ابعاد تربیت را به فردی و اجتماعی می‌توان فروکاست در این نوشتار، در بعد فردی تنها به عزت مداری و ذلت‌گریزی با توجه به سال عزت و افتخار حسینی عنایت شده و دیدیم که از نهضت عزت مدار حسینی می‌توان درس‌های عزیزانه فراوان در بعد اخلاقی گرفت در بعد تربیت جمعی تنها به تربیت سیاسی در نهضت کربلا- عنایت شده تا به این شبهه به صورت مستقیم و غیر مستقیم پاسخ داده شود که نمی‌توان هم حسینی بود و زیست و هم بر جدایی دین از سیاست حکم داد. در هر دو مورد نیز اگر امام حسین به عنوان معصوم برای شیعیان اسوه و الگوست و قول فعل و تقریرش حجیت دارد، مبنای تربیت باید عزیزانه و حساس نسبت به دولت مردان و قدرت‌های سیاسی عصر باشد. و الا تربیت ذلیلانه و یا انزوا طلبانه و یا تفکیک دین از سیاست با الگوی عاشورا نمی‌سازد. (۳) اگر بحث روش‌های تربیتی نیز از مباحث اساسی در این موضوع است حداقل روش‌های متکی بر موعظه و نصیحت روش ملائمت و ملاطفت روش روشن‌گری و اعطای بینش و روش تربیتی مبتنی بر آزادگی از روش‌های مشهود حاکم بر فضای تربیتی نهضت کربلاست از چهار روش مورد بحث دو روش متکی بر موعظه و ملائمت ثقل توجه به حوزه قلب و دل

مخاطبان است و در روش روشن‌گری و اعطای بینش توجه مربی به تأثیرگذاری بر حوزه عقل‌مربی و مخاطبان است و در روش آزادگی همزمان عقل و قلب مورد اهتمام مربی است پس می‌توان مدعی شد که روش‌های تربیتی قیام عاشورا ذوابعد، جامع‌نگر و مبتنی بر ملاحظه همه قابلیت‌های آدمیان است و به دنبال آن است که همه استعدادهای خداداد و امکانات درونی انسان‌ها به صورت موزون و متعادل شکوفا شده و ثمر بدهند.

ابعاد تربیت در قیام عاشورا

اشاره

در یک نگاه تربیت را در دو سطح «فردی» و «جمعی» می‌توان به تحلیل نشست و هریک خود اقسام و زیر مجموعه‌های خاص خود را خواهد داشت مثلاً «تربیت اخلاقی» از زیر مجموعه‌های تربیت فردی است و حال آن‌که «تربیت سیاسی»، «تربیت اجتماعی»، «تربیت فرهنگی»، «تربیت اقتصادی» و... در ذیل تربیت جمعی دسته‌بندی می‌شود. در ادامه مباحث جهت رعایت اختصار، در بحث تربیت از بعد فردی و از مصادیق تربیت اخلاقی به «عزت‌مداری در قیام عاشورا» اشاره شده و در تربیت جمعی نیز تنها جلوه‌های تربیت سیاسی مذاقه و بررسی می‌شوند:

تربیت اخلاقی

عزت‌مداری و ذلت‌ستیزی برای این که با اختصار مباحث مربوط به عزت در فرهنگ عاشورا مطرح گردند، مجموع مباحث در نکته‌های زیر عرضه می‌شوند: اول از بین همه فضایل اخلاقی و تربیتی امام حسین در بعد فردی و شخصی بدین دلیل بر روی «عزت» تأکید شده که به تعبیری این مفهوم اخلاقی در هیچ یک از معصومین (ع) به اندازه اباعبدالله الحسین (ع) تکرار نشده و عزت کلید شخصیت امام حسین (ع) است عزت‌مدار و معبر و میزان و مبنا و مجرای کلام و سیره حسینی است و در نهضت عاشورا موج می‌زند. دوم شرایط عصر و نظام بین‌الملل به گونه‌ای است که جامعه ما نیاز به تقویت عزت‌مداری و ذلت‌گریزی دارد، زیرا اگر شرایط پس از جنگ سرد در نظام بین‌الملل را از جهت حساسیت و نقطه عطف به سه مقطع «جنگ سرد» که تا سال ۱۹۹۱ و سقوط اتحاد شوروی ادامه یافت و سپس مقطع جهانی شدن که پس از سقوط اتحاد شوروی تا ۲۰۰۱ میلادی و حادثه ۱۱ سپتامبر استمرار یافت و مقطع سوم از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ (شهریور ۱۳۸۰) به بعد تقسیم کنیم در فضای جنگ سرد جهان با چالش آمریکا و شوروی مواجه بود و در مقطع بعدی آمریکا کوشید که در مدت یک دهه «نظم نوین بین‌المللی را تعریف کند، اما تلاش‌های «بوش (پدر) و «کلینتون کاملاً» قرین با توفیق نبود، اما در مقطع سوم با حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بوش (پسر) بهانه لازم را به دست آورد که برای دنیا رجز بخواند و از جمله رجزهایش آن است که در سخنرانی در کنگره این کشور (۲۹ ژانویه ۲۰۰۲) ایران را در کنار عراق و کره شمالی «محور شیطنانی یا محور شرارت بنامد و تهدید کند که «من منتظر حوادث نخواهم ماند، چرا که زمان آستان مخاطرات بیشتری است ما به انتظار پلیدی که هر لحظه نزدیک‌تر و نزدیک‌تر می‌شود، نخواهیم نشست ایالات متحده آمریکا به خطرناک‌ترین رژیم‌های جهان معاصر اجازه نخواهد داد که با بهره‌گیری از مخرب‌ترین تسلیحات ممکن به تهدیدی برای ما بدل شوند...» در چنین فضایی که ایران اسلامی عزت شرف افتخاراتش در معرض خطر است نیاز به تقویت روحیه عزت‌طلبی و کرامت‌خواهی دارد و از این رو امسال از سوی مقام معظم رهبری به سال «عزت و افتخار حسینی» نام‌گذاری شده است تا با تمسک به عزت و افتخار حسینی و با توسل به «هیئات من‌الدله عاشوراییان تن به ذلت ندهیم با توجه به این عطش و نیاز، تمرکز پژوهش حاضر در تربیت اخلاقی به مدار بحث عزت در قیام عاشورا تنظیم شده است سوم از عزت در نهضت حسینی حداقل از دو زاویه می‌توان به بحث نشست یکی

مراجعه استقرایی به کلمات امام حسین (ع) در مواردی که در طی نهضتش از کلمه عزت و یا مفهوم متضادش ذلت بهره برده است و دیگری با مراجعه به سیره آن حضرت بر اساس شاخصه‌هایی عملکردی و مواضعی که به عزت و کرامت آن حضرت و نهضتش منجر می‌گردد، بحث نمود. در بعد ذلت ستیزی با مراجعه به سیر نهضت کربلا بارها از امام حسین (ع) زیر بار ذلت نرفتن برای حفظ عزت و شرافت شنیده شده است چنان که آن حضرت در کلام حماسی و مشهورشان می‌فرمایند: «الا و ان الدعی ابن الدعی قدر کرنی بین اثنتین بین السله و الذله و هیهات منالذله آگاه باشید این فرومایه [ابن زیاد] و فرزند فرومایه مرا بین دو راهی شمشیر و ذلت قرار داده است و هیهات که ما به زیر بار ذلت برویم. و یا در سخنرانی آن حضرت در روز عاشورا، وقتی که «قیس ابن اشعث با صدای بلند گفت یا حسین چرا با پسر عمویت بیعت نمی‌کنی که در این صورت با تو به نرمی رفتار خواهد کرد و کوچک‌ترین ناراحتی متوجه تو نخواهد بود؟ امام عزیزانه در پاسخ فرمودند: «لا والله لا اعطیهم بیدی اعطاء الذلیل ولا اقر اقرار العبید». نه به خدا سوگند! نه دست ذلت در دست آنان می‌گذارم و نه مانند بردگان فرمانبردارشان خواهم شد. هم چنین وقتی یکی از بستگان امام در جریان نهضت کربلا، پس از گفت و شنودی خبر شهید شدن آن حضرت را از زبان پدرش مطرح کرد و سپس گفت آری کاش از آنها کناره نمی‌گرفتی و تن به بیعت می‌دادی»، امام فرمود: پدرم از رسول خدا (ص) نقل می‌کرد که آن حضرت به ایشان این گونه فرموده بود که من و او (علی هر دو به تیغ کینه و ستم کشته می‌شویم و مزارمان نزدیک یکدیگر است آیا تو فکر می‌کنی آنچه را که تو می‌دانی من نمی‌دانم سپس این کلام ماندگار در تاریخ را فرمودند: «والله لا اعطى الدنیه عن نفسی ابدأ؛ همانا من هرگز تن به ذلت نخواهم سپرد». سیره آن حضرت نیز مقرون و محفوف به عزت طلبی و ذلت ستیزی است تمام سخن یزید و عمالش را در یک جمله بیعت امام حسین (ع) با یزید می‌توان خلاصه کرد و تمام موضع‌گیری‌های امام حسین (ع) از مدینه به مکه و از مکه تا کربلا را نیز در یک جمله می‌توان خلاصه کرد که در پاسخ پیشنهاد محمد حنفیه برادرش که معتقد بود: خوب است امام در شهر خاصی اقامت نکنند و در عین حال نمایندگانی برای جذب نیرو بفرستند تا ببیند شرایط چگونه است زیرا نگران بود که امام کشته شود، امام فرمود: «یا اخی لولم یکن فی الدنیا ملجأً ولا مأوی لما بایعت یزید بن معاویه برادر، اگر در تمام این دنیای وسیع هیچ پناهگاه و ملجأ و مأوی نباشد، باز هم با یزید بن معاویه بیعت نخواهم کرد». از «سیر امام در طول نهضت این اصل کلیدی به عنوان «سیره آن حضرت قابل استخراج است که مشی اخلاقی و صف شخصیتی و ویژگی نفسانی امام حسین (ع) زندگی عزیزانه و شرافت‌مندانه و جوانمردانه و آزادی‌مدار است نه زندگی ضعیف و قرین با هر نوع پستی و ذلت برای زندگی ظاهری چهارم اما پرسش اساسی آن است که بحث از ویژگی «عزت در شخصیت امام حسین (ع) و نهضت کربلا- با تربیت چه ارتباطی دارد؟ اگر بتوان بحث عزت نفس و کرامت آدمی را مهم‌ترین مبحث تربیتی و یا حداقل یکی از مباحث مهم تربیتی پذیرفت در آن صورت باید بین اصل عزت در نهضت کربلا- و آثار تربیتی آن برای سایرین پل زد. برای برقراری این دو مبحث می‌توان از بحث «طرح اسوه‌ها و الگوها» در سازندگی و بازسازی تربیتی بهره برد. امروزه در مباحث تربیتی بحث اسوه‌ها و الگوها مورد عنایت است مثلاً در مکاتب روان‌شناسی معاصر هم نسبت به الگوها سخن رفته و «بندورا» در نظریه یادگیری اجتماعی‌اش به شکل گسترده‌ای بر یادگیری‌هایی که در نتیجه مشاهده الگوها پدید می‌آید، تأکید ورزیده است همین‌طور «سالیوان» در نظریه شخصیتی که تحت‌عنوان «روان پزشکی تأثیر متقابل اشخاص عرضه کرده است از تأثیر تعیین‌کننده الگوها بر رفتار آدمی یاد می‌کند. با نگاهی گذرا به قرآن به اسوه‌های متعددی برمی‌خوریم حضرت ابراهیم (ع) اسوه بت شکنی است اصحاب کهف سمل و اسوه مهاجرین فی سبیل الله و حضرت یوسف اسوه ایستادگی در برابر شهوات و حضرت رسول (ص) اسوه حسنه است پس اگر می‌توان از اسوه‌ها در امر تربیت از نگاه مکتب‌های روان‌شناسی و تربیتی و نیز در تربیت دینی بهره برد، با این مفروض از امام حسین (ع) و یارانش به عنوان اسوه‌ها و الگوهای تربیتی می‌توان بهره‌برد و با توجه به بحث حاضر، می‌توان از عزت و کرامت حسینی برای القاء، تلقین و تقویت عزت‌مداری برای دیگران استفاده نمود و از ذلت گریخت و ذلت‌ستیزی آنان الهام بخش شیعیان و پیروانش باشد که در مقابل تهدید، ارباب و

زورمداری دیگران بتوانند نه بگویند و فریاد هیئات منالذله سر دهند. پنجم همان گونه که از اسوه‌ها می‌توان درس تربیتی نیکو و مناسب آموخت در صورت تحریف اهداف سخنان برنامه و نتایج تلاش‌های آنان می‌توان به غایتی تربیتی نامناسب و نامطلوب دست یافت نهضت عاشورا نیز علی‌رغم آن که می‌تواند بار مثبت فراوان تربیتی را حامل باشد، اما متأسفانه به علت تحریف اهداف و شعارهای نهضت گاه به جای این که بتوانیم پیام‌های عزت بخش آن حادثه حیات بخش را آویزه گوش کنیم از آن پیام‌های منفی و غیرسازنده و حتی گاه ضد اهداف نهضت برداشت می‌کنیم این جاست که معلمان دینی و مربیان متعهد و مفسران این حرکت‌ها باید هشیارانه وارد عمل شوند و نهضت حسینی را از تحریف‌های آراسته پیرایش نمایند. از پیام‌های غلط و خطرناکی که گاه از قیام عاشورا گرفته شده و آثار ضد تربیتی جدی نیز دارد، آن است به جای این که از راه و رسم عزیزانه آن حضرت درس عزت بگیریم به جای این که از اسوه‌ها و الگوهای کربلا، درس پایداری مقاومت صلابت حماسه و ایثار بیاموزیم و به جای این که بدانیم امام حسین (ع) به ما آموخته و در عمل ما را بدین طریق هدایت نموده که در راه حفظ عزت و شرافت از هزینه کردن جان و مال نهراسیم بدان سمت کشانده می‌شویم که به نهضت بار عاطفی شدید داده و آن را در گریه کردن و سوگواری تنها خلاصه کنیم و در نتیجه به جای حرکت توجیه‌گر وضع موجود باشیم این گونه نگرش قطعاً تحریف معنوی اهداف نهضت حسینی است زیرا امام در وصیت‌نامه شان هدف نهضت را اصلاح امت اسلامی و احیای اصل امر به معروف و نهی از منکر و اعاده سیره نبوی و علوی ذکر می‌کنند. تربیتی که نتیجه‌اش بی‌توجهی به سرنوشت جامعه و دین باشد، تربیتی حسینی نیست و با وصایای آن حضرت در تعارض است ششم اگر قرار بود که از کربلا درس آموخت و از عاشورا تعلیم گرفت کار سهل‌تر از آن بود که ادعا کرد کربلا آثار و جلوه‌های تربیتی دارد. قطعاً کربلا درس‌های فراوانی برای آموختن دارد و جنبه تعلیمی عاشورا عمیق است و به قول «اقبال لاهوری در مثنوی «در معنای حریت اسلامی و سه حادثه کربلا» تیغ بهر عزت دین است و بس مقصد او حفظ آئین است و بس رمز قرآن از حسین آموختیم ز آتش او شعله‌ها اندوختیم ولی چگونه قیامی پس از قریب به چهارده قرن می‌تواند تأثیرهای تربیتی داشته باشد و متناسب با این بحث در زمینه عزت طلبی و ذلت‌گریزی الهام بخش باشد؟ زیرا یک مربی باید بتواند در قلب و دل متربی علاوه بر عقلش تأثیر بگذارد و نفوذ کند. (حال آن که در تعلیم تأثیر در عقل و فکر کافی است. شاید بتوان رمز پایداری نهضت حسینی در الهام بخشی به دیگران در حوزه عزت خواهی و ذلت ستیزی را به شهادت امام حسین و شیوه مرگ فداکارانه و ایثارگرانه یارانش جست البته در این زمینه دشمن و یزیدیان نیز با صعوبت زاید الوصف (از کشتن بچه شیرخوار، تا آتش زدن به خیام حسینی تا قطع آب و...) ابعاد جانسوز کربلا- را تعمیق بخشیدند و از همین رو، یاد حسین دل‌ها را می‌لرزاند، چشم‌ها را از اشک لبریز می‌کند، قلب‌ها را آتش می‌زند و این فضا، بستر، زمینه و شرایط را آماده برای تأثیر پذیری می‌کند و این جاست که از پیام حسینی می‌توان توقع آثار تربیتی داشت اگر از اهداف نهضت امام خمینی (از ۱۵ خرداد ۴۲ تا بهمن ۵۷) و نیز دفاع مقدس هشت ساله را نفی ستم و ذلت‌پذیری و حفظ و کسب و تثبیت عزت خواهی بدانیم می‌بینیم که تأثیر عزت و افتخار حسینی بر نهضت امام خمینی و نیز نظام اسلامی تا چه حد عمیق است به تعبیری «بدء انقلاب اسلامی دوام آن محورهای اصلی پیام‌های رهبر انقلاب وصیت‌ها و توصیه‌های بنیان‌گذار جمهوری اسلامی بعد از پیروزی انقلاب در جریان نهضت جهانی سالار شهیدان خلاصه می‌شد.» حاصل آن که هم آثار تربیتی کربلا، خصوصاً عزت طلبی و ذلت‌گریزی به صورت مشخص در میان ملت ما در دهه‌های اخیر مشهود است و هم این که چگونه این نهضت تا این حد می‌تواند مؤثر باشد مشخصاً باید به اصل شهادت و شیوه شهادت باز گردد که خود شهادت طلبی از عوامل و شاخصه‌های عزت طلبی است زیرا فرد یا ملتی که از مرگ نه‌راسد، آن گاه می‌تواند در مقابل همه قلدرها نه بگوید و عزیز بماند.

چنان که اشاره شد، در اقسام تربیت جمعی (تربیت اجتماعی تربیت فرهنگی تربیت اقتصادی و...) برای رعایت حجم مقاله و اختصار، تنها به تربیت سیاسی اشاره می‌شود و حداقل پیام مقاله نافی دیدگاه آنانی است که مدعی‌اند که دین برای سیاست پیامی ندارد. چون «قول فعل و تقریر معصوم حجیت دارد» و اگر امام حسین در سیاست مداخله نموده و مربی سیاسی بود، پس چگونه یک نفر شیعی می‌تواند مدعی نفی ارتباط دین و سیاست باشد؟ اما نکته‌های قابل بحث در این قسمت اول جدای از این که از قیام عاشورا در بعد تربیت سیاسی سخنی نرفته است در جامعه بحث «تربیت سیاسی از سوی متولیان امر تعلیم و تربیت مورد غفلت قرار گرفته و مثلاً- در آموزش و پرورش به عنوان متولی رسمی تربیت کودکان و نوجوانان تربیت سیاسی مغفول مانده است هم چنین تعریف تربیت سیاسی نیز مورد تأمل جدی قرار نگرفته است در این نوشتار، مراد از تربیت سیاسی آن است که اگر در سیاست مشارکت و یا نظارت بر دولت حکومت و قدرت سیاسی موضوعیت دارد. تربیت سیاسی عبارت است از فعالیتی منظم و مستمر برای شکوفا نمودن استعدادهای آدمیان جهت تولید، کسب حفظ و توزیع قدرت سیاسی دولت و حکومت و نیز نظارت بر آن دوم ارزش کار تربیت در بعد سیاسی در نهضت کربلا آن جا بیشتر نمایان می‌شود که بدانیم نظام حاکم عصر به سرکردگی یزید با انتخاب شیوه مستبدانه حق‌گزینش و انتخاب را از افراد سلب نموده و آثار تربیتی نامطلوبی را بر جامعه به بار می‌گذاشته و جامعه از تربیت صحیح و سالم و همه جانبه تهی بوده است برای مردم قدرت و جرأت مقابله با سیاست‌های حاکم وجود نداشت و هرگونه اعتراضی به شدت در نطفه خفه می‌شد. (شاهد آن قیام عبدالله زبیر در مکه. در چنین فضایی امام حسین از روز اول در مقابل پیشنهاد بیعت حاکم مدینه نه گفت و ایستاد و تا آخر نیز سخنش و شیوه کارش ایستادن در مقابل قدرت سیاسی عصر بود. سوم اما این که آیا جنسیت (زن و یا مرد بودن در تربیت سیاسی دخیل است یا نه آیا زنان حق مشارکت در سیاست را دارند تا برای شیوه حضور و مدیریت تربیت شوند؟ پاسخ این سؤال را بسیاری از متفکران بزرگ جهانی و ایرانی - اسلامی منفی داده‌اند. از فلاسفه قدیم یونان قدیم «ارسطو» دلاوری مرد را در فرمانروایی و دلاوری زن را در فرمانبرداری می‌دید و یا «امام محمد غزالی معتقد بود که زنان حق امیری حکومت و قضاوت ندارند و... اما در فرهنگ عاشورا در سیره امام معصوم حضور فعالانه زنان در مسائل سیاسی و مداخله در مورد دولت و قدرت عصر، پذیرفته شده و از این رو اگر زنان باید در عرصه سیاسی حضور داشته باشند، تربیت سیاسی نیز ضرورت پیدا می‌کند. امام حسین می‌توانست از مدینه خارج شود، اعتراضش را در مکه به جهان اسلام اعلام کند. در راه کربلا در روز عاشورا به شهادت برسد، اما اهل بیتش را همراه نداشته باشد. آیا این پرسش در اذهان نمی‌جوشد که چرا در این مبارزه سیاسی امام حسین (ع) زن و فرزندان را با خود همراه نمود، با این که در هر زمان و مکان خطر آنها را تهدید می‌کرد؟ اما تصمیم امام و زنان همراهش خلق نهضتی در کنار یکدیگر بوده است «عمان سامانی در قالب اشعار و گفت‌گویی این مطلب را بدین نحو سروده است (گفت‌گوی امام حسین و حضرت زینب شه سراپا گرم شوق و مست ناز گوشه چشمی به آنسو کرد بازدید مشکین مویی از جنس زنان بر فلک دستی و دوستی بر عنان زن مگو مرد آفرین روزگار زن مگو بنت الجلال اخت الوقار... با تو هستم جان خواهر همسفر تو پیا این راه تو بی من بسر هرچه باشد تو علی را دختری ماده شیرا کی کم از شیر نری .. گفت زینب در جواب آن شاه را کای فروزان کرده مهر و ماه را تربیت بوده است بر یک دوشمان پرورش در جیب یک آغوشمان تا کنیم این راه را مستانه طی هر دو از یک جام خوردستیم می‌تو شهادت جستی ای سبط رسول من اسیری را به جان کردم قبول از مشارکت زنان گاه در کنار مردان در روز عاشورا و سپس از پیام رسانی زنان در نهضت کربلا، در حد این مقال نمی‌توان داد سخن داد، فقط بعضی از نکته‌ها قابل تأکید این بحث این هستند: اولاً، مشارکت سیاسی زنان در قریب چهارده قرن قبل در مبارزه و نهضت بسیار پند آموز و درس آفرین است زیرا حتی در جهان غرب و مدعیان حقوق بشرتها از قرن بیستم است که برای زنان سهم قابل توجه برای مشارکت سیاسی (مثلاً رأی دادن قائل شده‌اند. ثانیاً: مقاومت پایداری و استقامت زنان پس از آن حوادث سنگین و وحشیانه عمر سعد و لشکریانش حکایت از تربیت سیاسی بالای آن زنان دارد. در این فضا، سخنرانی‌های حضرت زینب و گفت‌وگوی جسورانه و غیورانه اش با ابن

زیاد همه حکایت از وجود مهارت‌ها و آمادگی‌های سیاسی در خاندان اهل بیت دارد، زیرا حتی اگر کسی خطیب توانایی نیز باشد باید شرایط روحی و جسمی خودش آماده و فضای جمع و مستمعان نیز مناسب باشد، تا او بتواند خوب سخن بگوید و زینب داغدار برادران و فرزندان و درگیر مشکلات عدیده در مقابل کسانی که برای دیدار اسرا آمده‌اند، چنان سخنرانی غزایی ایراد نمود که فضا را مغلوب نمود و یا در مناظره‌های ابن زیاد را تحقیر نموده و از حقانیت راه خود سخن گفت و اینها همگی حکایت از وجود تربیت سیاسی عمیق و روشن گرانه در میان این زنان دارد. ثالثاً: اگر در مباحث تربیتی با اسوه و الگو می‌توان بیشترین تأثیر را گذاشت زینب و سایر زنان حاضر در قیام عاشورا، الگوهای مناسب و جامعی هستند برای زنان مسلمان و شیعی برای مشارکت سیاسی حضور در عرصه‌های نهضت سرزنده و با نشاط و هشیار بودن و از اوضاع تحلیل سیاسی مناسب داشتن ممکن است نظریه پردازی بگوید که خوب است و رواست که زنان در سیاست مداخله کنند، اما زینب با حضورش در کنار حسین و ادامه دادن پیام نهضت به صورت عینی اثبات کرد که از نگاه دینی زنان می‌توانند و باید در مسائل سیاسی مداخله کنند و چه خوب است این مشارکت هشیارانه و مقرون به تعلیم و تربیت مناسب سیاسی باشد. این جاست که جلوه‌های چگونگی مشارکت کردن و چگونگی حفظ روحیه نمودن را با الهام از جلوه‌های تربیت سیاسی کربلا- می‌توان به زنان آموخت چهارم اگر فرد دین دار شیعی بگوید که اگر چه آدمیان نیاز به تربیت سیاسی برای مشارکت صحیح و سنجیده در سیاست را دارند، از آن جا که نصوص دینی درباره مباحث سیاسی و مشارکت سیاسی ساکت است لذا این تربیت نباید جوهره دینی داشته باشد. در پاسخ با تمسک به کلمات قرآن و حدیث و کلام معصومین و در این جا سخنان و مواضع امام حسین می‌توان پاسخ داد که تربیت سیاسی باید پشتوانه دینی نیز داشته باشد؛ یعنی علاوه بر بهره‌بردن از تجارب بشری علوم روز، دستاورد انسانی روش‌های مطلوب برای تربیت مناسب سیاسی از نصوص دینی و سیره معصومین حداقل برای تعیین اهداف و غایات و حدود و... مشارکت سیاسی می‌توان نکته‌های مفیدی درباره سیاست و تربیت سیاسی استخراج نمود. از جمله کلمات امام حسین که شاهد بارز دخالت در سیاست به عنوان وظیفه یک مسلمان است سخنرانی آن امام با تمسک به کلام رسول خدا است که می‌فرماید: «ایها الناس ان رسول الله قال من رای سلطانا جائراً مستحلاً لحرام الله ناکثاً عهده مخالفاً لسنة رسول الله يعمل فی عباد الله بالاثم والعدوان فلم یغیر علیه بفعل و لا قول کان حقاً علی الله ان یدخله مدخله الا و ان هولاء قد لزموا طاعة الشیطان و ترکوا طاعة الرحمن و اظهروا الفساد و عطّلوا الحدود و استأثروا بالغی و احلوا حرام الله و حرّموا حلاله و انا احق ممن غیر و قد اتّنتی کتبتکم و قدمت علی رسلکم بیعتکم انکم لاتسلّمونی و لا- تخذلونی فان اتممت علی بیعتکم تصیبوا رشدکم ..؛ مردم پیامبر خدا (ص) فرمود: هر مسلمانی با سلطان زورگویی مواجه گردد که حرام خدا را حلال نموده و پیمان الهی را درهم می‌شکند، با سنت و قانون پیامبر از در مخالفت درآمده در میان‌بندگان خدا راه گناه و معصیت و عدوان و دشمنی در پیش می‌گیرد، ولی او در مقابل چنین سلطانی با عمل و یا با گفتار اظهار مخالفت ننماید، بر خداوند است که این فرد را به محل همان طغیان گر و آتش جهنم داخل کند. مردم آگاه باشید، اینان [بنی‌امیه اطاعت خدا را ترک و پیروی از شیطان را بر خود فرض نموده‌اند. فساد را ترویج و حدود الهی را تعطیل نموده‌اند] را به خود اختصاص داده‌اند. حلال و حرام و اوامر و نواهی خداوند را تغییر داده‌اند و من به هدایت و رهبری جامعه مسلمانان و قیام علیه این همه فساد و مفسدین که دین جدم را تغییر داده‌اند از دیگران شایسته‌ترم گذشته از این حقایق مضمون دعوت‌نامه‌هایی که از شما به دست من رسیده و پیام پیک‌هایی که از سوی شما به نزد من آمده‌اند، این بود که شما با من بیعت کرده و پیمان بسته‌اید که مرا در مقابل دشمن تنها نگذارید و دست از یاری بردارید. اینک اگر بر این پیمان خود باقی و وفادار باشید به سعادت و ارزش انسانی خود دست یافته‌اید...». در این کلام امام حسین آنچه را که در عمل در حین انجام است برای لشگریان «حر» توضیح می‌دهد و آنها را متذکر شده و تعلیم داده و ذهنیتشان را شکوفا می‌کند که چه از جهت دینی و چه از جهت انسانی او باید نسبت به شرایط سیاسی موجود و سلطان جائر ساکت نباشد. از جهت دینی آنها را تربیت می‌کند و روشنگری می‌کند که طبق حدیث نبوی نباید در مقابل سلطان جائر و... ساکت بود و الا مسئولیت شرعی داشته و

دوزخ هم جایگاه اوست از جهت انسانی نیز مسئله وفای به عهد و پیمان‌ها بسیار واجد اهمیت است شما از من خواسته‌اید که به کوفه بیایم و من به بهای بیعت و پیمان شما پا در مبارزه سیاسی گذاشته‌ام در این کلام هم تعامل دین و سیاست از نگاه دینی مستتر است و هم یک مسلمان را تعلیم داده و تربیت می‌نماید که در چه صورتی باید سکوت نکند و دست به قیام بزند و هم می‌آموزاند که وفای به عهد در مبارزات سیاسی تا چه حد واجد اهمیت است با این نگاه محصول تربیت سیاسی در یک جامعه دینی «سیاست‌گریزی» و «سیاست‌ستیزی» نیست بلکه حساس و هشیار در صحنه حاضر شدن و نسبت به حکام و دولت مردان عصر موضع داشتن است البته این نکته به معنای «سیاست‌زدگی» و همه مسایل را سیاسی دیدن و یا ابزار دست سیاسی‌ها شدن نیست شناخت حریم دخالت و عدم دخالت در سیاست و معرفت نسبت به مسائل حیاتی و کم‌اهمیت سیاسی و آشنایی با وظایف نسبت به میزان مشارکت در مورد یک حادثه رویداد و امر سیاسی لزوماً تربیت سیاسی دقیق می‌طلبد. این جاست که اگر مداخله در سیاست از نگاه دینی و یا غیر دینی امری ضروری و اساسی باشد، تربیت سیاسی از لوازم آن است و از حادثه کربلا هم اصل دخالت در سیاست و هم ضرورت تربیت سیاسی را می‌توان استنتاج نمود. زیرا چه بسا افراد زیادی در حادثه کربلا با نیت دخالت در قدرت و سیاست به قصد ادای وظیفه وارد صحنه شدند، اما به جهت فقدان تربیت سیاسی در جمع لشکریان یزید قرار گرفتند. این جاست که سخنرانی نقل شده امام حسین برای لشکریان حر و یا سخنرانی ایشان در روز عاشورا، آشنا نمودن مخاطبان با وظیفه درست و تکلیف صحیح برای مواجهه با قدرت و دولت است پس می‌توان نتیجه گرفت که اگر در تربیت دیگران عامل بودن مریی مؤثر است امام حسین در یک حرکت سیاسی علیه حکام وقت در حالی که جان و مال و خانواده و دوستانش را به خطر انداخته آن گاه دست به تعلیم و تربیت سیاسی مخاطبان در روز عاشورا و قبل از آن می‌زند.

روش‌های تربیتی در قیام عاشورا

اشاره

از آن جا که در بحث تربیت توجه به روش‌ها نسبت به مباحث محتوایی بیشتر متکی به علم و دانش بشری است از این رو در مکاتب جوامع و کشورهایی که علم را جدی‌تر گرفته‌اند، به مسئله روش نیز توجه خاصی مبذول داشته‌اند. امروزه روش و شیوه و بسته‌بندی کار به اندازه محتوا و مضمون واجد اهمیت است و چه بسا محتوایی مطلوب بر اثر ارائه با شیوه و روش نامطلوب ضایع گردد و چه بسا مباحث و نکته‌های ضعیف‌تری را در قالب و روش‌های جذاب بهتر عرضه کرده و توفیق بیشتر داشته‌اند. از جمله حوزه‌هایی که درباره نهضت عاشورا جای بررسی و تحقیق فراوان دارد، روش‌های تربیتی به کار گرفته شده در این نهضت توسط رهبر و پیروان زنان و مردان است در این نوشتار کوتاه تنها به تعدادی از روش‌ها با توجه به مستندهایی از آن حرکت حیات بخش اشاره می‌گردد. اهم روش‌هایی که در اقسام تربیت فردی و جمعی در نهضت کربلا به کار گرفته شده‌اند، عبارتند از:

روش موعظه و نصیحت

گرچه آدمی فطرتی خدا آشنا و آگاه به خوب و بد دارد، ولی اشتغالات فراوان روزمره و توجه به امور و شئونات گوناگون زندگی غالباً سبب می‌شود که از این آگاهی و شناخت غفلت نماید. این جاست که باید به طریقی او را متذکر ساخت و موعظه چنین خاصیتی دارد. موعظه غفلت را از بین می‌برد، آدمی را بیدار می‌سازد و ضمیر و باطن را از آلودگی می‌زداید و جلا می‌دهد. در عین حال با توجه به این که مرتبی در چه شرایطی باشد و فضای قلبی و روحی‌اش چگونه باشد، ممکن است موعظه در جانش اثر بکند و یا نکند. این جاست که گاه کلمات معصومین که یک پا در آسمان نیز داشتند، بر قلب‌های دیگران مؤثر نمی‌افتاد، چون قابل در

قابلیت‌ش مشکل داشت به نظر می‌رسد که حضرت امام حسین (ع) در نهضت کربلا از این شیوه فراوان بهره برد و گاه کارش نتیجه مطلوب داد و گاه نداد. از شواهدی که موعظه امام ثمری نداد وقتی بود که آن حضرت با «عبدالله بن حر جعفری سخن گفت در منزل بنی مقاتل به امام اطلاع دادند که «عبدالله حر جعفری نیز در این منزل اقامت گزیده است امام نخست سفیری را نزد وی فرستاد و او را به یاری امام دعوت کرد، اما او نپذیرفت سپس خود امام با چند تن از اصحابش به نزد عبدالله آمد. او از امام استقبال نمود و خوش آمد گفت عیب‌الله می‌گوید از محاسن مشکی امام پرسیدم و پس از تعارفات و سخنان معمولی امام خطاب به وی فرمود: پسر حر، مردم شهر شما (کوفه به من نامه نوشته‌اند که همه آنان بر نصرت و یاری من اتحاد نموده و پیمان بسته‌اند و از من درخواست کرده‌اند که به شهرشان بیایم ولی حقیقت امر بر خلاف آن است که آنان به من نگاهشسته‌اند و تو در دوران عمرت گناهان زیادی را مرتکب شده و خطاهای فراوانی از تو سرزده است آیا می‌خواهی توبه کنی و از آن خطاها و گناه‌ها پاک‌گردی عیب‌الله گفت مثلاً چگونگی توبه کنم امام فرمود: فرزند دختر پیامبر را یاری کرده و در رکاب وی با دشمنانش بجنگی .. اما عیب‌الله با توجیهاتی نهایتاً گفت که من از مرگ سخت گریزانم و پیشنهاد کرد که امام اسب تیز رو او را بگیرد که امام نپذیرفت و توصیه کرد که سعی کن تا می‌توانی از ما فاصله بگیری تا صدای استغاثه ما را نشنوی که در آن صورت اگر ما را یاری نکنی خدا او را در آتش جهنم قرار خواهد داد. اما همین شیوه در خصوص «زهیر بن قین بین مکه و کربلا» به کار گرفته شد و جان زهیر را آتش زد. زهیری که حتی مایل نبود با امام حسین چهره به چهره شود و پس از مکه به ناچار در یکی از منازل با امام حسین فرود آمدند و نقل شده «ما غذا می‌خوریم که ناگهان فرستاده امام رسید و سلام کرد و گفت ای زهیر حسین بن علی تو را می‌خواهد. زهیر و همراهان در تحیر فرو رفته بودند که همسر زهیر به او گفت فرزند رسول خدا تو را می‌طلبد و تو از رفتن نزد وی دریغ می‌داری زهیر با بی میلی رفت و اندکی بعد با چهره‌ای که آثار شادمانی و روشنی ضمیر از آن هویدا بود بازگشت و دستور داد تا خیمه او را به خرگاه امام ملحق کنند و هم او به قدری متأثر از روش تربیتی حسین (ع) می‌شود که در شب عاشورا وقتی امام او را مخیر بین ماندن و رفتن می‌کند، می‌گوید: به خدا سوگند، ای پسر پیامبر! دوست دارم که کشته شوم سپس دوباره زنده شده و هزار بار این گونه در راه تو جان فشانی نمایم اما خداوند در عوض مرگ را از تو و از جوانان تو که برادران و فرزندان و خانواده تواند دور کند.

روشی ملاطفت و ملایمت

نکته اساسی در اعمال این روش این نیست که آیا در روش‌های تربیتی باید از اصل خشونت و سخت‌گیری نیز بهره برد یا خیر؟ چون تشویق و تنبیه ملاطفت و مسامحت و نیز خشونت و غلظت هر دو لازمه تربیت صحیح‌اند. اما مهم آن است که از هر دوی خشونت و ملاطفت در روش تربیتی کدام یک اصل است و کدام یک در حاشیه اگر به عنوان یک اصل موضوعه و بدون پرداختن وسیع بپذیریم که اولاً: در تربیت صحیح و انسانی اصل بر ملاطفت است و خشونت در حاشیه است و ثانیاً: حتی در مواقعی که اعمال خشونت ضروری است باید مراتب آن از سهل به سخت رعایت شود؛ ثالثاً: خشونت به عنوان آخرین راهکار به کار گرفته می‌شود؛ رابعاً: بدانیم که روش مبتنی بر خشونت اثری در خلاقیت‌ها، شکوفایی استعدادها ندارد و تنها در اصلاح کج روی‌های تربیتی نقش عامل بازدارنده را دارد. اگر قرار باشد مربی خشونت را در کارهای تربیتی اصل قرار ندهد، لا-جرم ابزارش به شیوه‌های توجیهی فرهنگی زبانی و سعه صدر و تحمل نقاط ضعف دیگران فرو کاسته می‌شود. اگر مربی با خشونت مأنوس نباشد، لا-جرم از جنگ زد و خورد، کشمکش اختلاف و شکاف‌ها اقبال نمی‌کند. به همین دلیل است که در کربلا با این که روحیه حماسی و شهادت طلبی امام حسین و یارانش بالا بود، با این که از مبارزه و کشته شدن هراسی نداشتند، اما هرگز عجله‌ای برای حمله جنگ و آغاز عملیات از خود نشان نداده و با این که دشمن روز تاسوعا را روز آغاز جنگ اعلام کرد، اما امام حسین (ع) از آنان فرصت گرفت که شبی جنگ را به عقب بیندازند. در صبح عاشورا نیز امام حسین به جای این که دست به عملیات نظامی بزند، با عملیات فرهنگی و

سخنرانی و توجیه کار را آغاز کرد. از مصادیق بارز ملایمت و ملاحظت شیوه مواجهه حضرت و یارانش با لشگریان «حر» است که برای جنگ با آنها آمده بودند. وقتی تشنگی آنها را امام دید نه تنها به حر و لشگریانش حتی به اسبان در آن بیابان خشک و بی آب آب داد و سپس با آنها به موعظه و تذکر و گفت‌گو پرداخت اگر برای تأثیر کار تربیتی تصرف قلب متربی از لوازم آن باشد، حسن روشن مبتنی بر ملاحظت و ملایمت آن است که مناسب‌ترین شیوه تصرف در قلوب است و اگر با این شیوه نتوان قلبی را تسخیر کرد، مطمئناً شیوه‌های مقرون به خشونت به طریق اولی برای آن افراد مؤثر نیست اگر امام حسین با استفاده از این شیوه و با عزت و آزادگی ویژه خودش نتوانست قلب لشکر حر و سایر لشگریان عمر سعد را تسخیر کند، حکایت از حاد بودن مشکل در مخاطبان به سبب ویژگی‌های فردی و شرایط اجتماعی آن عصر دارد و آسیب‌شناسی شرایط روحی و اجتماعی و سیاسی و اقتصادی آن عصر موضوعیت دارد.

روش روشن‌گری و اعطای بینش

اشاره

در روش روشن‌گری و اعطای بینش مفروض آن است که آدمیان واجد نعمتی عظیم و خداداد به نام «عقل هستند و انسان‌ها با تکیه و اعتماد به چنین منبع درونی می‌توانند راه را از چاه صحیح را از سقیم و صواب را از ناصواب بازشناسند. با این نگاه است که در صورتی به افراد آگاهی‌های لازم داده شده و از جهل بیرون آیند، از بین خوب و خوب‌تر، دومی را و از بین بد و بدتر اولی را برمی‌گزینند. البته از آن جا که انسان فقط واجد قوه درونی عقل نیست و سایر غرایز و قوا نیز در آنها فعالند، ممکن است با روشن‌گری نیز انسان به تبع غرایز به جای راه چاه را برگزیند. ولی اولیای خدا و مربیان الهی موظفند که از مردم جهل زدایی کنند و به عقل انتخاب و گزینش آنها احترام بگذارند و با بهره بردن از ابزار زبان و گفتار روشن‌گری بکنند و حق‌گزینش را به دیگران واگذارند. شاید بارزترین روشن‌گری امام حسین در طول نهضت در شب عاشورا و برای یاران خودشان باشد. از جهت نظامی معمولاً باید شب‌های عملیات به نیروها روحیه داد، نقاط ضعف دشمنان را برشمرد، بر پیروزی آینده مانور داد و مجموعاً نیروها را برای رزم آماده نمود. اما شیوه‌ای که امام حسین (ع) برگزیده است شیوه روشن‌گرانه برای اعطای بینش به یارانش می‌باشد، زیرا چون شب شد، امام حسین (ع) اصحاب خویش را جمع نمود، پس از حمد و ثنای الهی روی به ایشان نموده و فرمود: به درستی که من نه اصحاب و یارانی بهتر از شما سراغ دارم و نه اهل‌بیتی بهتر از اهل‌بیت خویش خداوند به همه شما جزای خیر دهد. اکنون که شب چونان پرده‌ای سیاه همه چیز را در بر گرفته است شما هم شبانه حرکت کنید و هریک دست یکی از افراد خاندان مرا گرفته و دور شوید و مرا با این قوم تنها گذارید. زیرا آنها غیر از من با کس دیگر کاری ندارند. (هولاء القوم فانهم لا یریدون غیری اگر امروزه در سطح جهان نیروهای نظامی چریکی شبه نظامی انتظامی اطلاعاتی امنیتی و حراستی تربیت می‌کنند و دانشکده‌های نظامی و انتظامی و اطلاعاتی تأسیس می‌کنند، در کدام یک از این روش‌های تربیتی این چنین رابطه‌ای رابین فرمانده و نیروها، رهبر و اعضا تعریف می‌کنند؟ در کجا تا بدین حد به نیروها حق تأمل تعقل گزینش داده و به نیروها در فضای رزم این قدر اطلاعات از وضعیت خودی و خطرهایی که در پیش رو هست می‌دهند؟ این مکتب تربیتی حسین (ع) و فضای تربیتی عاشورا است که رابطه‌ای انسانی سالم صادقانه و دوستانه بین فرماندهی و نیروها در حادترین شرایط برقرار کرده است و نیروها محقند جدای از فشارهای عاطفی دینی انسانی آزادانه و با چشم باز دست به انتخاب بزنند. چنین شیوه تربیتی محاسنی دارد که از جمله آن تسویه نیروها و همراهان خالص از ناخالص است در چنین فضایی سره از ناسره به راحتی باز شناخته می‌شود و نیز از مزایای این شیوه تربیتی آن است که نیروهایی که آگاهانه و مختارانه و عاشقانه راه را برگزیده و در شیوه مبارزه و تصمیم‌گیری مشارکت داشته‌اند و با وجود

همه خطرها تا پای جان استقامت نمود، و در وظیفه محوله نه تنها سهل‌انگاری نکنند، بلکه امثال مسلم بن عوسجه در فضای کربلا بگویند: «آیا ما تو را در حالی که این همه دشمن پیرامونت را فرا گرفته رها کنیم و برویم نه به خدا سوگند! خداوند چنین عمل زشتی را روزی و قسمت من نگرداند که من دست به این کار بزنم من تا پایان کار با تو هستم تا لحظه‌ای که نیزه‌ام را در سینه آنها بشکنم و تا زمانی که شمشیر در دست من است با شمشیر با آنان خواهم جنگید و اگر سلاحی در دست نداشته باشم با پرتاب سنگ با آنها می‌جنگم و از تو جدا نخواهم شد، تا در رکاب تو شربت شهادت را بنوشم. (ولم افارقک او اموت دونک).

روش تربیتی مبتنی بر آزادگی محوری

امر تربیت امری قدیمی سابقه‌دار و همه‌زمانی و همه‌مکانی است هم رژیم‌های سیاسی نظام تربیتی خاص خود را دارند. رژیم‌های غیر مرد سالار و مستبد نیز آحاد جامعه را تربیت می‌کنند، اما به ندرت در نظام‌های سیاسی و مکتب‌های تربیتی حتی اگر مدعای آن را نیز داشته باشند، رعایت آزادی و آزادگی و حریت افراد موضوعیت دارد. در بسیاری از مکتب‌های تربیتی که براساس نگاه‌های واقع‌بینانه قدرت ثروت و... را اصیل می‌بینند، فریب تظاهر، دروغ و... را تئوریزه و نهادینه می‌کنند. در نهضت کربلا و قیام عاشورا، تلقین تشویق ترغیب و تبلیغ به حرّیت و آزادگی موج می‌زند که جهت رعایت اختصار تنها به یک شاهد اکتفا می‌گردد. از عصر عاشورا نقل شده که: امام حسین پیوسته می‌چنگید تا در کشاکش جنگ لشکر میان امام (ع) و خیمه‌ها، فاصله انداختند، فریا برآورد: وای بر شما ای پیروان و شیعیان خاندان ابی‌سفیان اگر دین ندارید از روز قیامت نیز نمی‌ترسید، حداقل در دنیا آزادمرد باشید (فکونواحراراً فی دنیاکم هذه). اگر قدرت‌مندان و زورمداران و تزویر پیشگان با انواع حیل و طرق می‌خواهند دیگران را عبد سازند و تربیت بکنند، در نهضت حسینی تمام تلاش بر آن است که بر شیوه حریت‌مداری نبرد مدیریت شود، یاران توجیه شوند، اهل بیت به صبر دعوت شوند و حتی دشمن نیز بر مبنای این روش جنگ را تدبیر کند.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه‌السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم‌السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه‌السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه‌های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم‌السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه

مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۰۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲-۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران ۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰ IR۹۰-

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده

است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

